



واکاوی وضعیت عربستان پس از بحران های اخیر در کشورهای منطقه

خاورمیانه امروز در معرض اعتراض های اجتنابناپذیر است که هیچ کس نمی تواند ثبات عربستان سعودی را در این اوضاع پریشان ضمانت کند.

خاورمیانه امروز در معرض اعتراض های اجتنابناپذیر است که هیچ کس نمی تواند ثبات عربستان سعودی را در این اوضاع پریشان ضمانت کند.

به خبرنگار جنگ نرم و دیپلماسی عمومی خبرگزاری فارس، "آنتونی کوردزمن" کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک و بین الملل، در مقاله ای به بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی عربستان سعودی و دلایل ثبات و یا عدم ثبات این کشور پرداخته است.

کوردزمن در ابتدای گزارش خود با تأکید بر آنکه عربستان سعودی چندان نسبت به اعتراضات و ابراز عقاید مخالف مصون نیست نوشت: عربستان مدت ها است که در مقابل اصلاحات مقاومت کرده است. اما چیزی که در چند هفته بحرانی اخیر در مورد این کشور مهم می نماید، عدم وجود چالشی جدی علیه دولت و عملکرد آن است.

این شرایط شاید دیگر پایدار نباشد. زیرا بیشتر روشنفکران و جوانان سعودی هم اکنون خواستار انجام اصلاحات بیشتر و سریع تری هستند. در حقیقت در خاورمیانه امروز بروز یکسری اعتراضات و تظاهرات ها اجتنابناپذیر به نظر می رسد و هیچ کس نمی تواند ثبات عربستان سعودی را در این اوضاع پریشان ضمانت کند. از سوی دیگر، دلایل خوبی نیز وجود دارد که بر اساس آن ها می توان امیدوار بود که عربستان سعودی به مسیر خود برای انجام تغییرات و اصلاحات صلح آمیز ادامه دهد.

تاریخچه ای از نگرانی ها در برابر تاریخچه ثبات و پایداری:

کوردزمن در ادامه این گزارش می نویسد: یکی از دلایلی که می توان به ثبات عربستان امیدوار بود، تاریخچه این سلطنت است. هر بحرانی که از زمان جمال عبدالناصر در خاورمیانه بوجود آمد، منجر به ایجاد دور جدیدی از تفکرات در مورد عربستان سعودی و آینده رژیم سلطنت مطلقه آن شد. بطوریکه هم اکنون بیش از نیم قرن از بیان این تفکرات و عقاید گذشته ولی عربستان سعودی هنوز هیچ تغییری در رژیم خود نداده است.

این گزارش می افزاید: اگرچه همانطور که دیگر کشورهای خاورمیانه به وضوح نشان دادند، سابقه ثبات کشورها هیچ ضمانتی برای آینده آن ها نیست، اما باید به این مهم توجه کرد که ثبات عربستان محصول این حقیقت است که دولت با هر موج تغییراتی که ایجاد می شود روبرو می شود و به گونه ای با آن ها کنار می آید.

بر اساس این گزارش، ملک عبدالله بن عبدالعزيز پادشاه کنونی عربستان که در اواخر دهه هشتم زندگی خود به سر می برد، دولتی را رهبری کرده که همواره سیاست هایی را تعقیب کرده است تا وی را برای بسیاری از اعراب این کشور به عنوان نماد اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و آموزشی مطرح کند. بن عبدالعزيز همزمان نیز توانست تا خواسته های قشر سنتی و مذهبی عربستان را برآورده و نظرات آن ها را تأمین کند.

کوردزمن با تأکید بر تفاوت های بنیادین جامعه عربستان با جوامع غربی می نویسد: مسئله مهم دیگر این است که وقتی موج جدید بحران شروع شد، ملک عبدالله به این موج با اتخاذ تدابیر جدید امنیتی پاسخ نگفت. بلکه دولت او یک سری با اتخاذ یکسری احکام سلطنتی و پاسخگویی به نیاز مردم، سرمایه گذاری های چند میلیارد دلاری را برای برقراری ثبات انجام داد. که عبارتند از:

- 1- 10.6 میلیارد دلار برای اعطای وام مسکن از طریق صندوق توسعه املاک
- 2- 7.9 میلیارد دلار کمک برای افزایش سرمایه های بانک اعتبار سعودی
- 3- 266 میلیون دلار برای فعال کردن بیمه اجتماعی به منظور افزایش شمار اعضای خانوارهای تحت پوشش؛
- 4- 319.9 میلیون دلار برای توسعه خدمات اجتماعی.
- 5- 333 میلیون دلار برای کمک به افراد که نیاز به انجام تعمیرات در خانه های خود و پرداخت هزینه آب و برق و ...
- 6- 126.9 میلیون دلار به وزارت آموزش برای حمایت از برنامه های مورد نیاز دانش آموزان نیازمند.
- 7- 3.9 میلیارد دلار برای حمایت از اداره مسکن عمومی.
- 8- افزایش 15 درصدی حقوق کارمندان.

9- 50 درصد افزایش بودجه سالانه سازمان‌های خیریه و رساندن آن به 120 میلیون دلار
10- 26.7 میلیون دلار اختصاص بودجه سالانه به پروژه‌های صندوق ملی خیریه

این سرمایه‌گذاری‌ها که مجموع آن به 36 میلیارد دلار می‌رسد به وضوح با هدف خنثی کردن ناآرامی‌های مردمی انجام شده‌اند. البته باید توجه کرد که این اقدامات سرمایه‌گذاری‌هایی ناگهانی در اشتغال‌زایی، مسکن، خدمات بهداشتی و آموزش نبوده‌اند. بلکه سرمایه‌گذاری‌های اخیر منعکس‌کننده نیم قرن سرمایه‌گذاری دولت سعود در اولویت‌های مهمی است که هسته اصلی خواسته‌های معترضان مصر و تونس بود. همچنین تمرکز بر عدالت اجتماعی از جمله موارد مهمی است که عامل ناآرامی‌های اخیر خاورمیانه است.

این گزارش ادامه می‌دهد: عربستان سعودی برای منافع استراتژیک آمریکا و جهان بسیار حیاتی است. بطوریکه صادرات نفتی این کشور نقش حیاتی و مهمی را در ثبات و رشد پایداری اقتصاد جهانی بازی می‌کند. و حتی طرح‌های وزارت انرژی آمریکا نیز نمی‌تواند کاهش جدی در وابستگی ایالات متحده تا سال 2025 به واردات نفت ایجاد کند.

در همین حال، عربستان سعودی برای امنیت و ثبات منطقه نیز مهم است. و کلید تلاش‌های شورای همکاری‌های خلیج فارس برای ایجاد یک دفاع محلی و همچنین همکاری‌های استراتژیک ایالات متحده با کشورهای جنوب خلیج فارس به شما می‌آید.

کوردزمن با تأکید بر آنکه عربستان به نقش حیاتی برای مقابله با تأثیر ایران در منطقه بازی می‌کند می‌نویسد: عربستان منبع طرح اتحادیه عرب برای صلح با اسرائیل و یکی از شرکای کلیدی جنگ علیه ترور است. بطوریکه موقعیت استراتژیک آمریکا در خاورمیانه وابسته به روابط دوستانه آن با رژیم عربستان سعودی است.

به دنبال توازن

این گزارش ادامه می‌دهد: هیچ کس نمی‌تواند این حقیقت را نادیده بگیرد که سران عربستان با چالش‌های زیادی روبرو هستند که اگر با مهارت اداره نشوند، ممکن است موجب بروز ناآرامی‌ها شوند.

سران عربستان می‌بایست تلاش کنند تا با حفظ قدرت، حمایت مردم را نیز بدست بیاورند و دائماً به دنبال تنظیم اقدامات خود به منظور رسیدن به توازن درست بین مدرن‌سازی و پیشرفت اجتماعی و خواسته‌های جامعه محافظه‌کارشان باشند.

آن‌ها همچنین باید بهترین توازن ممکن بین آن‌ها که بر خواسته‌های سکولار متمرکز شده و خواهان تغییرات سریع هستند و رهبران مذهبی که در درجه اول به دنبال حفظ ارزش‌های اسلامی مربوط به خود هستند برقرار کنند.

یافتن این توازن بدان معناست که نخبگان و تکنوکرات‌های سعودی می‌بایست درون یک سیستم سیاسی و فرهنگی که کمتر آمریکایی آن را می‌فهمد، کار کنند. بطوریکه پادشاهی عربستان چندان شرایط دموکراتیک ندارد و تجربیات دموکراسی آن نیز محدود است. حتی مجمع ملی یا مجلس این کشور به دقت گزینش شده و با توجه به منافع دولت محلی چیده شده است.

در همین حال رژیم سلطنتی عربستان ثابت کرده است که نسبت به برخی دیگر از رژیم‌های خاورمیانه به خواسته‌های مردمی پاسخگوتر و منعطف‌تر است. رهبران ارشد خانواده سلطنتی عربستان اگرچه خود مسئول هستند اما به شدت دنبال کسب اجماع در کل خانواده سلطنتی که اکنون بیش از 5 هزار عضو دارد و دیگر خانواده‌های برجسته کشور با تکنوکرات‌ها، فرهیختگان و ساختار مذهبی و سران کلیدی همچون خانواده "الشیخ" هستند.

همچنین بر خلاف بیشتر دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه، می‌توان برای شکایت و دادخواهی کردن بطور مستقیم به مقامات سعودی دسترسی داشت و آن‌ها نیز سابقه خوبی در پیش‌بینی و پاسخگویی به خواسته‌های مردمی از خود نشان داده‌اند.

محافظه‌کاری در برابر اصلاحات

این گزارش در ادامه می‌نویسد: خارجی‌ها می‌بایست درک کنند که چه متحرک‌های اجتماعی و سیاسی عربستان سعودی تا چه حد از دیگر کشورهای خاورمیانه متفاوت است. برای بیش از نیم قرن دولت‌های پیاپی سعودی مجبور بوده‌اند تا با تنش‌های بین سنون مذهبی و اجتماعی و نیاز به تغییرات دست و پنجه نرم کنند.

پایبندی افکار عمومی عربستان نسبت به ارزش‌های اسلامی روند پایداری دارد اما رژیم سلطنتی آل سعود می‌بایست با دقت و به آهستگی حرکت کرده و بطور مداوم مشروعیت دینی و الزام خود به اسلام را به نمایش بگذارد. زیرا هر تغییری موجب بروز یک سری

عنوان حافظ حرمین برای پادشاه عربستان يك عنوان پوچ و بی‌فایده نیست. بلکه موفقیت دولت عربستان در حمایت از اسلام و موج جهانی زائران مکه و مدینه و همچنین احترام به قرآن برای ایجاد چهره‌ای مشروع از این رژیم در افکار عمومی بسیار حیاتی است.

در همین حال، باید دانست که محافظه‌کاران مذهبی سعودی، متفاوت از افراط‌گرایان هستند و تاثیری مثبتی بر ثبات کشور دارند. این محافظه‌کاران مذهبی سعودی از دولت عربستان می‌خواهند تا در ایجاد اصلاحات با دقت عمل کند و جوانب بروز امواج ناگهانی خواسته‌های مردمی برای انجام اصلاحاتی که تونس و مصر بروز کرد را محدود سازند.

در عربستان نخبگان زیادی هستند که به دنبال ایجاد اصلاحات هستند اما نشانه‌های کمی از محافظه‌کاران مردمی سعودی دیده می‌شود که بطور ناگهانی و گسترده خواستار ایجاد اصلاحات در جامعه و ساختار دولت شوند.

مشروعیت و جنگ با افراط‌گرایی

تلاش دولت برای حفظ مشروعیت مذهبی خود، برای جنگ با تروریسم در درون و خارج پادشاهی عربستان امری کلیدی است. در واقع موفقیت دولت این کشور در جلب اطمینان مردم نسبت به التزام پادشاهی به اسلام بود که موجب شد تا عربستان قادر به خارج ساختن القاعده از کشور باشد.

همین امر نیز موجب شده تا گزارش‌های وزارت دفاع و گزارش‌های سالانه وزارت خارجه آمریکا در رابطه با تروریسم، دائماً پیشرفت و همکاری سعودی‌ها در مواجهه با القاعده و تهدیدات گسترده‌تر تروریسم را ستایش می‌کند.

البته این موفقیت در مقابله با افراطی‌گرایی خود مشکلاتی را نیز بوجود می‌آورد. پادشاهی عربستان سیستم قضایی بسیار متفاوتی دارد. بطوریکه هم دادگاه‌ها و هم اقدامات امنیتی این کشور می‌توانند بسیار سرکوب‌گرانه عمل کرده و دارای مشکلات زیادی هستند. با این حال گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا در مورد حقوق بشر وضعیت عربستان را بسیار بهتر از دیگر کشورهای در حال توسعه اعلام می‌کند.

به هر حال عربستان بیش از آنکه تدابیر سرکوب‌گرانه اتخاذ کند، اصلاحات متعادل را اعمال کرده و می‌کوشد به جای سرکوب مخالفین آن‌ها را تا حدودی راضی نگه دارد. به عبارت دیگر، این کشور اگرچه فعالان القاعده را سرکوب می‌کند اما یکی از برجسته‌ترین برنامه‌ها برای آموزش مجدد و به کارگیری مجدد افراطی‌گرایان جوان در خاورمیانه را نیز دارد.

حفظ التزام به تغییر:

هر تغییری که در پادشاهی عربستان اعمال می‌شود، دور جدیدی از ترس و نگرانی را ایجاد می‌کند که شاید پادشاه بعدی تدابیر دیگری را در پیش گیرد و اجازه اعمال اصلاحات کافی را ندهد. این همان ترسی بود که در مورد ملک عبدالله نیز وجود داشت و بسیاری از آن بیم داشتند که ملک عبدالله بسیار محافظه‌کارانه عمل کند و در مقابل اصلاحات مقاومت کند. اما بعد از به قدرت رسیدن وی، ملک عبدالله تبدیل به نماد پیشرفت شد.

ملک عبدالله و دیگر سران سعودی نسل او هم‌اکنون پیر شده و کسی نمی‌تواند ضمانت کند که شاه بعدی عربستان نیز به اندازه ملک عبدالله بر انجام اصلاحات تاکید داشته باشد.

طی سال‌های آینده عربستان سعودی می‌بایست به جای آنکه شاه بعدی را از بین فرزندان بنیانگذار این پادشاهی یعنی "ابن سعود" انتخاب کند، به سراغ نسل بعدی خانواده سلطنتی برود.

بر اساس این گزارش، دولت عربستان هم‌اکنون اصلاحات مهمی را در رابطه با چگونگی انتخاب پادشاه بعدی انجام داده و در نسل بعدی خاندان سلطنتی نیز شاهزاده‌هایی شایسته و با تجربه یافت می‌شوند. اما با این حال انتخاب يك شاه جدید امر بسیار مهمی است و مشخص نیست که چه مقدار از این انتقال سیاسی بتواند عملی شود.

همانطور که گفته شد، خانواده سلطنتی عربستان نشان داده که قابلیت رویارویی با مسایل سیاسی داخلی خود را دارد و همواره نیز خود را ملزم به انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی دانسته است. پادشاهی عربستان از ابتدا تا کنون از اصلاحات آموزشی، بهره‌گیری از فناوری‌های جدید و اتخاذ معیارهای رفاه عمومی حمایت می‌کرده است و این اقدامات نیز از زمان شروع صادرات نفت و تبدیل شدن این عنصر به "سرمایه نفتی" در اوایل دهه 70 بطور قابل توجهی افزایش یافت.

کردن در ادامه گزارش خود با تاکید بر آنکه نباید با متمرکز شدن بر سیاست‌ها از چگونگی و کیفیت حاکمیت غافل شد می‌نویسد: در واقع اینکه کشورها چگونگی پول‌های خود را خرج می‌کند یکی از معیارهای مهم مشروعیت آن‌هاست. بودجه ملی عربستان سعودی و برنامه‌های پنج ساله آن دائماً نشانگر این حقیقت است که رهبران سعودی فقط به دنبال اصلاحات و پیشرفت نیستند و هزینه‌های زیادی را در جوانب مختلف رفاه اجتماعی انجام داده‌اند.

هر یک بودجه‌ها و برنامه‌های پنج ساله عربستان و گزارش‌های آژانس پولی این کشور از اواسط دهه 70 میلادی نشان می‌دهد که عربستان سعودی از "بیماری نفتی" رنج نبرده است. زیرا بودجه‌های مورد نیاز همه بخش‌ها تامین شده و همین امر نیز به حفظ ثبات کمک کرده است. دولت عربستان مبالغ بسیار زیادی را در اشتغال‌زایی و کاهش وابستگی به کارکنان خارجی سرمایه‌گذاری کرده است.

به هر حال اگرچه شاید مقامات عربستانی بیش از اندازه ثروتمند باشند اما بخش اعظم منافع حاصل شده برای کشور برای امنیت ملی و مردم هزینه می‌شود.

بطوریکه این سرمایه‌گذاری‌ها موجب افزایش قابل توجه خدماتی همچون آب و برق شده است. همچنین پیشرفت‌های قابل توجهی نیز در بخش آموزش، خدمات درمانی و مسکن نیز صورت گرفته است. بر اساس این گزارش، همزمان با کاهش محدودیت‌های شرکت‌های خصوصی عربستانی و خارجی خدمات دولتی در این کشور نیز موثرتر شده است.

بطوریکه شرکت ملی نفت عربستان، آرمکو، تبدیل به مدلی از شرکت‌های شایسته‌سالار شده که کارکنان با لیاقت را به کار می‌گیرد. پادشاهی عربستان میلیاردها میلیارد برای ایجاد و توسعه شهرهای صنعتی در سراسر کشور خرج کرده و کوشیده است تا کارکنان خارجی را با اتباع خود جایگزین کند. و بخش‌های جدیدی از اقتصاد مثل معدن و منابع جدید درآمدی مثل تورسم را توسعه دهد.

نگاه به آینده:

کوردزمن در بخش پایانی گزارش خود تاکید می‌کند: مطالب بیان شده و تاکید بر غیرمحمتمل بودن مواجهه عربستان سعودی با ناآرامی‌های عمومی در موقعیت کنونی بدین معنا نیست که نباید نگران این کشور بود. بلکه هر تغییری در سطوح بالای پادشاهی عربستان، سوالات را افزایش می‌دهد.

این کشور نیاز دارد تا حقوق بشر و حاکمیت قانون را بهبود بخشد. از سوی دیگر شیعیان عربستان با تبعیض مواجه هستند که این مسئله نیز می‌بایست برطرف شود. اما دلایل اصلی نگرانی برای این کشور بیش از مسایل سیاسی به مسایل اقتصادی و جمعیتی برمی‌گردد.

عربستان سعودی هم‌اکنون با همان فشارهای جمعیتی و مسئله "تورم جوانان" روبروست که دیگر رژیم‌های خاورمیانه را نیز تهدید می‌کند و یا حتی موجب فروپاشی آن‌ها شده است.

جامعه عربستان همچنان با تغییرات اجتماعی رادیکالی دست و پنجه نرم می‌کند که به دلیل تغییر شرایط اجتماعی این کشور و تبدیل شدن جمعیت کم و فقیر و کم سواد این کشور در سال 1950 به جمعیت بزرگ، شهری و باسواد امروزی بوجود آمده‌اند.

این کارشناس مسایل سیاسی می‌افزاید: هیچ کسی آمار دقیقی از نرخ تغییرات در عربستان ندارد اما سازمان سیا تخمین می‌زند که عربستان سعودی هم‌اکنون همان جمعیت جوانی را دارد که دیگر دولت‌های خاورمیانه را نیز به چالش کشیده است. این ارزیابی نشان می‌دهد که 38 درصد جمعیت 25.7 میلیونی عربستان 14 سال و یا کوچکتر هستند و 280 هزار جوان مرد و 270 هزار زن مرد نیز هر ساله وارد بازار کاری می‌شوند.

همچنین با توجه به تلاش‌های دولت عربستان، نرخ بی‌کاری مستقیم نزدیک به 11 درصد است که البته این آمار شامل تاخیر در یافتن شغل و شمار زنانی که به دنبال کار هستند و بیکاری پنهان نمی‌شود.

مسئله دیگر آنکه، اداره کل آمار ایالات متحده تخمین می‌زند که با توجه به کاهش قابل توجه نرخ رشد جمعیت در عربستان، تا سال 2030 جمعیت این کشور به 34 میلیون نفر خواهد رسید.

این مسایل همگی بدان معنا هستند که ثبات دراز مدت برای عربستان مثل دیگر کشورهای خاورمیانه شامل چالش‌هایی می‌شود که

از اصلاحات سياسي نيز فزاتر مي‌روند. بنابر اين عربستان بايد راه‌هاي بهتري را براي آموزش مردمان خود به منظور اشتغال آن‌ها پيدا کند.

اين کشور همچنين مي‌بايست زنان را که بيش از مردان از دبيران و دانشگاه‌ها فارغ‌التحصيل مي‌شوند، به عنوان نيروي کار مورد استفاده قرار دهد.

در نهايت نيز عربستان سعودي بايد با اين حقيقت نيز کنار بيايد که "سرمايه نفت" کاملاً وابسته به جمعيت است. موفقيت حاکميت و به دنبال ثبات بودن مي‌بايست با تغيير اقتصاد عربستان همرا باشد. اقتصادي که بودجه آن با 80 درصد عوايد نفتي، 45 درصد توليد ناخالص ملي و 90 درصد عوايد صادراتي تامين مي‌شود.

در همين رابطه، وزارت انرژي ايالات متحده هم تخمين زده است که "سرمايه نفت" عربستان در سال 2010 براي هر نفر از جمعيت اين کشور 5.500 دلار بوده است و همين پايه ضعيف سرمايه موجب شده تا سرانه درآمد عربستان سعودي رتبه 155ام را در بين کشورهاي جهان داشته باشد.

به هر حال وابستگي به صادرات نفت براي عربستان خطرناک است. زيرا سرانه درآمد اين کشور حدود 24 هزار دلار است که در مقايسه با سرانه درآمد 145 هزار دلاري قطر، 51 هزار دلاري کويت، 40 هزار دلاري امارات و 47 هزار دلاري ايالات متحده، مبلغ ناچيزي محسوب مي‌شود. همين مسئله نيز عامل اصلي تداوم سرمايه‌گذاري‌هاي عربستان در اشتغال‌زاوي و بخش آموزش است.

به هر حال، توسعه عربستان امري بسيار مهم به منظور رسيدن اين کشور به سطوح بالاتري از ثبات نسبت به ديگر کشورهاي منطقه است. و به همين دليل هم چگونگي حاکميت عربستان و توانايي ايجاد توازن بين محافظه‌کاري و انجام اصلاحات امري بسيار مهم‌تر از مسايل سياسي است.